



حسود به قضا و قدر الهی معترض و خشمگین است

در روایتی هست که «حسود دشمن نعمت من است، خشمگین است نسبت به قضا و تدبیر من، راضی نیست به آنچه من تقسیم بندی کرده ام بین بندگانم.»

در روایتی هست که «حسود دشمن نعمت من است، خشمگین است نسبت به قضا و تدبیر من، راضی نیست به آنچه من تقسیم بندی کرده ام بین بندگانم.»

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر چکیده نهمین جلسه از بحث حسد از سلسله مباحث اخلاق مرحوم آیت الله مجتبی تهرانی است که فایل صوتی آن در سایت دفتر حفظ و نشر آثار وی، موجود است.

قال امام المجتبی (ع): "هلاک الناس فی ثلاث: الکبر، الحرص، الحسد. الکبر به هلاک الدین و به لعن ابلیس. الحرص عدو النفس و به اخرج آدم من الجنة. الحسد رائد السوء و به قتل قابیل هابیل: امام حسن مجتبی (ع) فرمودند: هلاکت و نابودی مردم در سه چیز است: کبر و حرص و حسد. تکبر که به سبب آن دین از بین می رود و به واسطه آن، ابلیس، مورد لعنت قرار گرفت. حرص که دشمن جان آدمی ست و بواسطه آن آدم از بهشت خارج شد. حسد که سر رشته بدی ست و به واسطه آن قابیل، هابیل را کشت.

در هفته های قبل بحث راجع به حسد را آغاز کردیم و بعد از توضیحاتی پیرامون معنای این رذیله و منشأ آن و آثار آن، این سوال را مطرح کردیم که آیا این رذیله قابل درمان است یا خیر؟ دو نوع ابتلا به حسد را بیان کردیم که یکی قابل درمان و دیگری غیر قابل درمان بود.

گفتیم اگر کسی، هر آنچه غیر از خدا را مقصود قرار ندهد و تمام کارها و اعمالش را بر مبنای رسیدن به خدا و حب به خدا قرار دهد، اگر مبتلا به حسد شد، این رذیله در او قابل درمان است. این فرد از همه نعماتی که برخوردار می گردد نیز در راستای هدف الهی اش بهره می برد و در نتیجه بهره مندی از نعمات دنیایی برای این دسته از افراد منافاتی با داشتن هدف الهی و آخرتی ندارد و تمام بهره های دنیایی به منزله وسیله هایی هستند که مسیر را برای وی هموار می کند.

راه علاج حسد به دو روش "عقلی" و "عملی" است. راه عقلی این است که: حسود بداند به خاطر حسدش، ضرر دینی و دنیایی به خودش وارد می شود و به محسودش نه تنها ضرر دینی وارد نمی شود که نفع دینی می برد و نه تنها ضرر دنیایی نمی برد، که شاید نفع دنیایی نیز ببرد.

درباره اینکه در حسادت ورزیدن به حسود ضرر دینی وارد می شود و به محسود نفع دینی کمی توضیح دهیم:

۱- پیشتر گفتیم که ورود به وادی حسد یعنی باز شدن باب گناه و معصیت اعم از غیبت و تهمت و ... معاصی زبانی و غیر زبانی
۲- حسود به قضا و قدر الهی معترض و خشمگین است. در روایتی هست که "حسود دشمن نعمت من است، خشمگین است نسبت به قضا و تدبیر من، راضی نیست به آنچه من تقسیم بندی کرده ام بین بندگانم."

۳- حسود منکر عدل الهی است. ما معتقدیم آنچه خدا بر بساط دنیا پیاده کرده است بر محور عدل اوست. حال اگر خدا به کسی نعمتی داد و کسی به این بخشش معترض شد یعنی منکر عدل خدا شده.

همه مواردی که ذکر شد گویای این مطلب است که کسی که حسد ورزید، فقط در حد ابتلا به یک خوی ناپسند نبوده و گویی با خدا در افتاده است. اما چه در افتادنی؟

جدالی که هیچ بهره و عایدی برای حسود ندارد.

"کسی که راضی به قضای من نیست و شکر نعمتهای من را نمی کند برود یک خدای دیگر برای خود بگیرد ..." کجا می خواهد برود؟ کجا را دارد برود؟

۴- گفتیم حسد باعث ایجاد دشمنی و خصومت شخصی می شود و روابط دوستانه و خانوادگی و عهد های اخوت را از بین می برد و اینها که از بین رفت، ایمان از دست می رود. "سرایت کرده است به شما، بیماری امت های قبل از شما، دشمنی و عداوت و حسد. دشمنی آن چیزی ست که دین را از بین می برد. قسم به آن موجودی که جان من در دست اوست وارد بهشت نمی شوید تا اینکه ایمان بیاورید و هیچ گار ایمان نیاورده اید مگر که مودت بین شما حاکم باشد و نه عداوت."

۵- یکی از بهترین راه های حفظ دین معاشرت با بزرگان و بندگان صالح است که حسد بزرگترین مانع این کار است.

۶- حسد به کارهای نیک آدمی ضربه می زند و آنها را تباه می کند.

۷- حسد باعث می شود انسان از نعمات اخروی محروم شود. موسی بن عمران کسی را دید که زیر سایه ی عرش خداست، از خدا پرسید این کیست که عرش تو بر او سایه افکنده؟ خدا گفت او از کسانی ست که نسبت به آنچه خدا به مردم از فضلش عطا کرده بود، حسد نورزید. از این روایت این طور بر می آید که کسی که حسد می ورزد از بزرگترین نعمت خدا در قیامت که در امان ماندن در آن روز و در زیر سایه ی او قرار گرفتن است، محروم است.

۸- گرفتار شدن به عذاب الهی

پس حسد، نه تنها برای فرد سودی ندارد که به اصل توحید و اصل ایمان فرد ضربه می زند. از حزب خدا خارج می شود و تحت

ولایت شیطان قرار می گیرد. رفته رفته ایمان از دستش گرفته خواهد شد. حسد، ایمان را می سوزاند، آنچنان که آتش، هیزم خشک را. اگر کسی که به مبدا و معاد معتقد است و از قضا مبتلا به حسد شده بود، اگر به این موارد توجه کند کم دلش آماده می شود که این رذیله را ترک کند و مقصد و مقصود الهی در دلش جای گیرد.

تا به اینجای کار بحث ضرر های دینی حسد به حسود را بررسی کردیم. حال ضرر های دنیایی آنرا با هم برشمردیم:

۱- فیض خدا به بندگان چیزی نیست که منقطع باشد. همیشه بوده و هست. با حسد هم نمی توان جلوی آن را گرفت. پس حسد ورزیدن نسبت به فیض خدا به بنده ای برای حسود فقط درد و رنج و خودخوری و ناراحتی های بیهوده را دارد.

۲- حس سرخوردگی در زندگی دنیایی و در نتیجه سستی در کار و عقب ماندگی.

۳- از آنجا که روح و جسم تاثیرات متقابل روی همدیگر دارند و حالات هر کدام روی دیگری ظهور و بروز خارجی دارد، وقتی حسود به سبب حسادتش از نظر درونی به هم میریزد، به لحاظ جسمی نیز متحمل بیماری ها و فشارهای فراوانی می شود.

۴- در بعد اجتماعی، به محض اینکه حسود کمی از حالات درونی اش بروز خارجی پیدا کند، دچار خفت و خواری شده، افراد او را ترد می کنند.

۵- خسر الدنیا و الاخرة پس علاج واقعی حسد در دو چیز است: دل از غیر خدا گسستن و به خدا بستن